

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اندیشه اسلامی 1

(نویسنده: آیت الله سبحانی \* دکتر محمد محمدی رضایی)

(چیتن انسان)

(بخش یکم)

1- مهمترین موضوع برای انسان خودشناسی است که بوسیله این موضوع به بزرگترین سعادت نائل می شود.

2- جمله (خود را بشناس) بر سر در معبد دلفی یونان باستان نصب می باشد.

3- دوسخن درباره خود شناسی:

الف- حضرت علی ع: کسی که به خودشناسی دست یابد به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است.

ب: ایمانوئل کانت: انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی شناخت خود پردازد.

4- دلایل ضرورت خودشناسی:

الف- مقدمه کمال انسانی:

نقطه آغاز کمال انسانی همان شناخت سرمایه های وجودی خود می باشد.

ب- پیش در آمد جهان شناسی:

عبارت است از تعامل انسان با جهان خارج از خود.

- دو سخن از حضرت علی ع در اینباره :

1- کسی که خود را نمی شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟

2- کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می شناسد و کسی که به خود جاهل است، به دیگران جاهل تر است.

### پ- مقدمه خداشناسی:

حضرت علی ع: هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را می شناسد.

- از آنجا که فطرت آدمی با معرفت خدا عجین شده است، دعوت به خود شناسی دعوت به خدا شناسی است.

حضرت علی ع: خدایا تو قلب ها را با محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای.

- خود شناسی مقدمه محبت و معرفت به خداست:

1- پی بردن به واجب الوجود: ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است.

2- پی بردن به ناظم حکیم: دز زمین آیاتی است برای جویندگان یقین و در وجود خود شها، آیا نمی بینید؟

### ت- حلال مشکلات انسان:

بسیاری از مشکلات روحی، روانی، فکری و اخلاقی انسان ناشی از خود ناشناسی است.

- بسیاری از مکاتب ساخته و پرداخته دست بشر همچون لیبرالیسم، ماتریالیسم و... ریشه در عدم شناخت انسان دارند.

حقیقت 1- مادی: کسانی که حقیقت هستی را با ماده برابر می دانند و انسان را پدیده کاملاً مادی تلقی میکنند.

-5

انسان 2- الهی: علاوه بر بدن مادی، حقیقتی به نام روح برای انسان قائل هستند.

6- محور همه تعالیم ادیان الهی، روح آدمی است.

7- نوع اضافه در این آیه شریفه (ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ) اضافه تشریفی است.

8- لغت تسویه در آیه بالا به معنای خلقت اعضای بدن به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط می

باشد.

9- از منظر قرآن کریم حقیقت انسان همان روح اوست که با بدن مادی همراه شده است:

(اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

-باتوجه به آیه فوق مراد از توفی اخذ و گرفتن روح آدمی است.

10- دلیل فیلسوفان بر غیر مادی بودن روح انسان عدم تقسیم (مَن) درک کننده است، زیرا یکی از خاصیت اجسام مادی قسمت پذیر بودن آنهاست.

11- انسان دارای دو بعد است: ادراکی - گرایشی

12- بعد 1- نظری: متعلق شناخت اشیاء آنگونه که هستند یا خواهند بود.

ادراکی

(شناختی) 2- عملی: متعلق شناخت عمل انسان از نظر خوب یا بد بودن ویا باید و نبایدها می باشد.

1- علم حصولی: علم انسان از طریق صورت و مفاهیم ذهنی صورت می گیرد،

13- بعد مثل علم انسان به اجسام یا درخت و....

ادراک نظری 2- علم حضوری: انسان مستقیماً و بدون واسطه به وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد.

مثل آگاهی از اراده خود یا ترسیدن خود و....

14- اگر متعلق علم حضوری خدا و امور مربوط به او باشد به آن شهود عرفانی می گویند

15- علوم تربیتی و مکاتب تعلیم و تربیت، در حوزه و مجموعه حکمت عملی می باشند.

1- گرایش حیوانی(غریزه): این گرایش میان انسان و حیوان مشترک است.

16- بعد بطور مثال <گرایش به حفظ ذات-صیانت از خود-میل به جنس مخالف.

گرایشی 2- گرایش انسانی: این تمایلات مختص به انسان است و یا دست کم در حیوانات کم تر است.

بطور مثال <میل و محبت انسان به خدا(حضرت علی ع:خدایا تو قلب ها را بر محبت خود آفریده ای)

17- در کهن ترین فرهنگ های نژاد بشری، دین مشخصه اصلی و فراگیر بشری است.

1- معرفتی: بحرانی که اشخاص در ابزار شناخت دچار مشکل شده اند و حق آن است که هر سه ابزار

18- انسان (عقل-حس-شهود عرفانی) همراه هم شناخت ایجاد می کنند.

و بحران های 2- اخلاقی: ریشه این بحران غفلت از ساحت غیر مادی انسان و عدم توجه به خدا است.

فرار و 3- روانی: علت این بحران عدم شناخت هویت و حقیقت انسانی است، و همچنین نقطه اثناء و آرامش

یعنی خدا را گم کرده اند.

19- بیش از نود و پنج درصد انسان ها به وجود خدا ایمان دارند.

20- در مورد دین و بحران اخلاقی پیامبر ص می فرماید:

(من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج برسانم).

1- در عرصه علم: پوزیتیویسم و آمپریسم

21- دو مکتب بزرگ مادی گرایی

2- در عرصه اقتصاد: مارکسیسم و کمونیسم

22- در مورد دین و بحران روانی کارل گوستاوینگ روانشناس می گوید:

(اکثر بیماران چیزی از دست داده اند که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود آموختند و تا دیدگاه دینی خود را از نو آغاز نکردند، شفاء نیافتند.)

- در اینباره قرآن بیان دارد:

(ألا به ذکر الله تطمئن القلوب)

(هر کسی از یاد من دل برگرداند، در حقیقت زندگی سختی خواهد داشت.)



23- انسان با دو بال عقل و وحی می تواند به سعادت دنیوی و اخروی نائل آید.

24-سقراط حکیم، محور بنیادین شناخت را خود شناسی می داند.

25-قوای علم حصولی ← قوای حواس پنج گانه + قوه عقل

(ایمان)

1-معنای لغوی و اصطلاحی ایمان:

-ایمان امری است معنوی و حالتی روحی، که جایگاه آن قلب آدمی است.

-ایمان مصدر باب افعال و از ریشه آمن (امنیت یافته) به معنای (جای گیر شدن اعتقاد در قلب) گرفته شده است.

2-امام رضا ع در تعریف ایمان می فرماید:

ایمان تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضاء است.

3-انواع روابط ایمان:

1-ایمان و معرفت 2-ایمان و عقل 3-ایمان و عمل 4-ایمان و اختیار

4-ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است زیرا به آنچه نمی شناسیم ایمان معنا ندارد، و همچنین بدون اجر می باشد.

5-دو مثال قرآنی که علم است اما ایمان نیست:

الف-قوم بنی اسرائیل با وجود یقین و دیدن معجزات

ب-شیطان با وجود علم به عظمت خداوند

6-در اسلام ابتدا معرفت و سپس ایمان است، اما در مسیحیت ابتدا ایمان است سپس معرفت.

7-عقل و دین دو موهبت الهی است که میتواند انسان با آن دو به سعادت جاودانه برسد.

8- قرآن در اینباره می فرماید:

الف- ما قرآن را عربی نازل کردیم، شاید تعقل کنید.

ب- بدترین جنبندهگان نزد خداوند کسانی هستند که کر و لال اند و اصلا تعقل نمی کنند.

9- امام کاظم ع می فرماید:

انسان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری که پیامبر و امامانند، و دیگری حجت باطنی که عقل است.

10- عمل، نمودِ ظاهری ایمان است و ایمان بدون عمل نجات بخش و راستین نیست.

11- کم ترین مرتبه ایمان چیست:

آدمی به وحدانیت خدا، رسالت پیامبر ص گواهی دهد، اطاعت حق را بپذیرد و امام زمانش را بشناسد.

12- خداوند عمل بدون ایمان را به دو چیز تشبیه کرده است:

الف- به خاکستری که در روز طوفانی هیچ اثری از آن باقی نمی ماند.

ب- عمل کافران (عمل بدون ایمان) را همچون سرابی تشبیه کرده است.

13- از آنجا که ایمان، امری اختیاری است دارای ارزش است و اگر با اجبار ایمان بیارود، ایمان اون

هیچ ارزشی ندارد.

(قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ).

14- مقتضای ربوبیت و حکمت خدا، لازم است که پیامبرانی برای هدایت بشر بفرستد.

15- متعلقات ایمان:

1- اصول دین 2- ایمان به ملائکه 3- ایمان به قرآن و کتب قبل 4- ایمان به عالم غیب.

16- ایمان به عالم غیب جدا کننده نگرش دینی از الحادی و مادی گرایانه است.

17- عالم غیب از طریق عقل و شهود عرفانی قابل شناخت است.



(بخش دوم)

(برهان فطرت)

1- حضرت علی ع می فرماید:

خدایا، تو قلب ها را با ارادت و محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای.

2- در غرب متفکرانی همچون پلانتینگا عقیده دارند وجود خدا بدیهی است و نیازی به برهان و استدلال ندارد، و برخی دیگر همچون کی پرکه گارد معتقدند قبل استدلال عقلی ابتدا باید به وجود خدا ایمان آورد.

3- راهای شناخت خدا بر دو نوع است:

الف- سیر در آفاق

ب- سیر در انفس

(سَنَرِيهٔ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهٖم حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لِهٖم اَنْهٗ الْحَقُّ)

4- فطرت از ماده فطراً به معنای آغاز و شروع است.

5- اموری که آفرینش موجود اقتضاء آن را دارد امور فطری نام دارد.

1- همگانی هستند و در همه موجودات همان نوع وجود دارند.

6- ویژگی امور فطری

2- همواره ثابت اند.

3- نیاز به تعلیم و تعلم ندارند.

7- شناخت فطری نسبت به خدا را خداشناسی فطری، و گرایش به خدا را

خدا پرستی فطری می گویند.

8- دلایل فطری بودن خدا شناسی:

الف- دلیل نقلی: آیات و روایات

(فَذَكِّرْ اِنَّا اَنْتَ مَذَكِّرٌ) - (فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا ...)

ب- دلیل عقلی: در فلسفه هر معلول مجردی نسبت به علت خود علم دارد، پس نفس مجرد انسان هم نسبت به علت خود (خدا) علم دارد. (علم حضوری)

1- در صورت قطع امید شدن انسان از همه جا:

9- راه های تذکر و *وَإِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ ...*

یادآوری فطرت 2- توجه به مخلوقات و نظم حاکم:

*أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ...*

10- از دیدگاه قرآن پرستش خدا و سجده کردن برای خدا، نوعی خدا جویی است.

(برهان علی)

1- در صورتی که با وجود علت تحقیق معلول ضرورت داشته باشد به آن علت تامه و در غیر این صورت به آن علت ناقصه می گویند.

- همچون حرارت که با وجود آتش تحققش حتی و ضروری است و همچون آب که یکی از علل پیدایش گیاه است اما با وجود آن بوجود آمدن گیاه ضروری نیست.

1- فاعلی: آن است که معلول بوسیله آن موجود می شود.

2- علل 2- غایی: انگیزه فاعل برای تحقق معلول.

3- مادی: زمینه پیدایش معلول همانند عناصر تشکیل دهنده گیاه. اربعه

4- صوری: صورت و فعلیتی که ماده در آن بوجود می آید.

1- طبیعی: در فیزیک و طبیعیات بحث می شود، و منشأ دگرگونی و حرکت اجسام و حالات است

3- فاعل

2- الهی: در فلسفه و الهیات بحث می شود، و منظور موجودی است که معلول را پدید می آورد.

4- جان هاسپرز اشتباه کرده و بجای آنکه بگوید هر معلولی نیازمند علت است گمان کرده هر موجودی نیازمند علت است و گفته علت خدا چیست؟

5- از جمله نشانه های فقر وجودی:

1- محدودیت زمانی و مکانی دارند

2- وابستگی به غیر دارند

3- تغییر پذیر

4- فنا پذیر

5- محدودیت آثار

5- دو سخن حضرت علی ع بیان بر معلول بودن جهان هستی است:

(کل قائم فی سواه معلول) - (کل شی قائم به)

6- موجودات این جهان از آن جهت که سابقه و لاحقه نیستی دارند پس دارای فقر ذاتی هستند و معلول یک علتی.

7- همانطور که مجموع بی نهایت صفر، عدد صحیح نمی شود پس مجموع بی نهایت معلول وابسته هم مستقل و غنی نخواهد شد. (امتناع تسلسل)

8- تعریف دور: به این معنا که علت وجودی موجود، خود او باشد به عبارت دیگر وجود موجود متوقف بر خود او باشد. لازمه این امر اجتماع نقیضین می شود. (امتناع دور)

9- خدا هم مساله دور را که چیزی علت پیدایش خود باشد را رد کرده است:

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ؟ (استفهام در این آیه، استفهام انکاری است)

(برهان نظم)

1- تعریف نظم:

نظم گرد آمدن اجزای متفاوت با کیفیت و کمیت ویژه ای در یک مجموعه است به گونه ای که دارای هدف معینی می باشد.

2- نظم مفهومی است که در برابر هرج و مرج به کار می رود.

3- برهان نظم تاریخی به بلندای عمر انسان دارد.



#### 4- سه عنصر سازنده و اصلی مفهوم نظم:

الف- طراحی و برنامه ریزی دقیق      ب- سازمان دهی حساب شده      پ- هدفمندی

#### 5- تقریر انواع برهان نظم:

الف- **برهان هدفمندی:** در جهان پدیده های مفصلی هستند که به سوی غایتی در حرکت اند و این پدیده ها خود فاقد علم و آگاهی هستند، پس از این حرکت فمیده می شود که هدایت گر حکیم و عالمی در ماوراء این موجودات وجود دارد.  
- حضرت علی ع می فرماید: زمام هر جنبه ای به دست تو است و بازگشت هر آفریده ای به سوی تو است.  
- آیاتی که قرآن در آن ها سخن از گیاهان و ثمره آن سخن می گوید ناظر بر برهان هدفمندی است.

ب- **برهان نظم از موارد جزئی:** از مشاهده جهان هستی و موجودات با سازمان دهی حساب شده و برنامه ریزی دقیق قسیده می شود که این جهان خود به خود وجود نیافته و ناظم حکیم و آگاهی دارد.  
- ویلیام پالی در تقریر برهان نظم از موارد جزئی چشم را با ساعت مقایسه کرده است.  
- قرآن کریم در تقریر این برهان می فرماید: **إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ**  
- سخن حضرت علی ع در مورد خلقت و زندگی موجوداتی همچون مورچه، طاووس و ملخ در تقریر برهان نظم از موارد جزئی می باشد.

پ- **برهان هماهنگی در کل عالم:** مجموعه ای است که اجزای آن به گونه ای با هم ارتباط دارند که همگی هدف یگانه و مشخصی را تعقیب می کنند.

- حضرت علی ع در اینباره می فرماید: پس خدا آفرینش را آغاز کرد و اجزای مخالف را باهم سازوار ساخت.

- قرآن کریم در تقریر این برهان می فرماید: **لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا**





(امکان شناخت صفات خدا)

(بخش سوم)

1- از مسائل اساسی در حوزه خدا شناسی ، شناخت صفات الهی است.

2- سه 1- اهل تعطیل: معتقد هستند عقول انسانی بخاطر مفاهیمی که از موجودات دارند نمی توانند این مفاهیم را به

دیدگاه صفات الهی تسری دهند و آن ها را بشناسند.

2- اهل تشبیه: صفات خدا را همچون صفات موجودات میدانند و برای خدا اعضاء و جوارح قائل اند.

3- اثبات بلا تشبیه: انسان میتواند صفات خدا را بشناسد اما در حد عقل خود و نمیتواند به کنه ذات او

پی برد.

3- نماینده اهل تعطیل مالك بن انس بوده است و در حال حاضر در این عرصه دیوید هیومن و امانوئل کانت می باشند که به لا ادری گری معروف هستند.

4- علامه طباطبایی دست یافتن به صفات خدا را به آب خوردن با دو دست از دریا تشبیه کرده است به معنای این که هر کس در حد عقل و توانایی خود به صفات الهی پی میبرد.

(راه های شناخت صفات خدا)

1- راه عقلی: باثبوت موجود غنی بالذات صفات ثبوتی و سلبی را اثبات می کنیم.

1- راه های شناخت 2- سیر در آفاق و انفس: از سنخیت علت و معلول، به علم و حکمت و قدرت

صفات خدا خالق پی میبریم.

3- قرآن و روایات

4- کشف و شهود

2- کتاب تجريد الاعتقاد اثر خواجه نصیر الدین طوسی است در بیان راه عقلی.

3- تفاوت سیر در آفاق و انفس با راه عقلی آن است که در اولی مقدمات براساس مشاهده و دلیل عقلی است اما در دومی تمامی مقدمات عقلی است.

4- مبنای سخن برخی متکلمین در مورد توقیفی بودن اسماء الهی روایات است از جمله روایت از امام رضا ع: خدایا تو را فقط به آنچه خود وصف کرده ای می خوانم.

5- در راه کشف و شهود انسان بر اثر تکامل روحی به جایی میرسد که می تواند صفات الهی را مشاهده قلبی کند.

### (انواع صفات خدا)

الف- ذاتی: تنها 6 صفت < علم- قدرت- حیات- اراده- سمیع- بصیر

1- ثبوتی

1- صفات خدا

ب- فعلی: صفاتی که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع میشود مثل خالقیت

2- سلبی: صفاتی که برعکس صفات ثبوتی (که کمالی از کمالات بیان میکنند)، نقص و کاستی

را از خدا نفی میکنند مثل جهل.

2- صفات جمالیه خدا همان صفات ثبوتی است.

3- تنها صفت نفسانی، صفت حیات الهی میباشد.

4- سمیع و بصیر بودن چیزی جز علم خداوند نیست.

5- برخی متکلمان صفات ثبوتی را هشت عدد دانسته اند با توجه به آیه هشت فرشته و تعداد صفات سلبی را هفت عدد دانسته اند.

6- مراتب علم خدا:

الف- علم به ذات خود:

انسان به ذات خود علم دارد پس به طریق اولی خدا به ذات خود علم دارد

ب- علم خدا به موجودات پیش از آفرینش: دو دلیل در اینباره وجود دارد <<<

الف- علم به علت، علم به معلول را در پی دارد و از آنجایی که خدا خود علت است و به ذات خود علم دارد پس به معلول خود هم علم دارد.

ب- نظم و تدبیر موجودات عالم گواهی میدهد که خدا از پیش، به تمام اسرار و قوانین، پیچیدگی های آن علم داشته است.  
(أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ) (آیا کسی که آفریده است خودنمیداند؟ باینکه او خودباریک بین و آگاه است)

پ- علم خدا به موجودات بعد از آفرینش آنها:

همه موجودات نزد خدا حاضر اند و حقیقت علم چیزی جز حضور معلوم نزد عالم نیست.

7- قدرت الهی عبارت است از مبدئیت فاعل مختار برای انجام کاری که ممکن است از او سر بزند.

8- دلایل قدرت الهی:

الف- اعطاء کننده کمال فاقد کمال نیست: وقتی موجودات دارای قدرت هستند پس باید معطی کننده این قدرت خود دارای قدرت باشد. (و قُوَّةٌ كَلِّ ضَعِيفٍ) (خدا نیروی هر ناتوانی است)

ب- اتقان و نظم شگفت انگیز مخلوقات: این دلیل هم برای قدرت الهی است هم برای علم الهی.

(فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقَدْرَتِهِ) (الْمُسْتَشْهَدُ بِآيَاتِهِ عَلَى قَدْرَتِهِ)

9- قدرت الهی عام، مطلق و نامحدود است: (إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

10- حیات الهی:

بنابر قاعده فلسفی امر عرضی باید به امر ذاتی منتهی شود، از آنجا که حیات انسان بدلیل زوال پذیری عرضی می باشد

باید به حیاتی منتهی شود که مرگ در او راه نداشته باشد، همچون عارضی بودن شوری آب که به نمک منتهی میشود.

11- حقیقت حیات الهی روشن نیست، اما مفهوم حیات الهی روشن است.

1- انسان: ادراک امور کلی

12- حیات مخلوقات } 2- حیوان: ادراک امور جزئی

3- گیاهان: احتمالاً ادراک امور جزئی

13- ویژگی مشترک حیات موجودات طبیعی، ادراک و فعالیت است.

1- تکوینی: رابطه خاص خدا با مخلوقات که امکان تخلف مراد از اراده نیست.

14- اراده

2- تشریحی: رابطه خاص خدا با برخی افعال اختیاری انسان که امکان تخلف مراد از اراده است.

15- امام صادق ع می فرماید:

علم و مشیت خدا یکی نیست زیرا تو میتوانی بگویی فلان کار را میکنم اگر خدا بخواهد اما نمی گویی فلان کار را انجام میدهم اگر خدا بداند.

16- دو معنای حکمت الهی:

الف- افعال خدا در نهایت اتقان و استواری است و هیچ نقصی در آن راه ندارد که در این صورت حکمت جزء صفات ثبوتی فعلی می باشد.

-دلایل این معنا:

1- مطالعه نظم و اسرار خلقت» امام علی ع در بیان این معنای حکمت زندگی اسرار آمیز شب پره را بیان میکند.

2- تناسب اثر با موثر

3- نبودن علتی بر نا استواری» الذی أحسن کل شی خلقه

ب- خداوند عمل لغو و بیهوده انجام نمیدهد و تمام افعال او هدفمند است، در این صورت حکمت صفت سلبی میباشد.

- (رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لَنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ...)

- (أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ)

- (وَلَا يَظَلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا)

17- حکمت به معنای قبیح نبودن اساس بسیاری از بحث های کلامی است.

18- آنچه در قرآن در مورد ارسال پیامبران و اینکه مگر پایان زندگی شمرده نمیشود آمده است، اشاره به حکمت خدا به معنای قبیح نبودن افعال او دارد.

19- غایتمندی افعال انسان با خدا فرق دارد، زیرا فعل انسان برای برطرف کردن نقص از خود است اما خدا کمال محض است و هدفش (غایتمندی) رساندن مخلوقات به کمال میباشد.

1- تکوینی: جهان بر عدالت استوار است و هر موجودی به اندازه وسع و قابلیتش نعمت داده شده.

- آنچه در روایات به مضمون جهان به عدالت استوار شده آمده، اشاره به عدالت تکوینی دارد.

20- اقسام 2- تشریحی: احکام صادره، اولاً برای سعادت انسان است دوماً به اندازه توانش تکلیف شده است

عدل - (لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ)

الهی 3- جزایی: داورى خداوند در قیامت به عدالت است.

- (نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا)

- (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ)

21- صفت عدل اساس بسیاری از عقاید امامیه میباشد.



22- صفت عدل با صفت حکمت به معنای دوم پیوند نزدیکی دارند.

23- اگر ثواب و عقاب اخروی را نتیجه تجسم اعمال دنیوی بدانیم، عدل جزایی در زمره عدل تکوینی قرار می گیرد.

24- دلایل اینکه خدا متصف به عدل است و کار زشت و ظالمانه انجام نمی دهد:

الف- از قبح و زشتی عمل آگاه است، برخلاف فاعل (انسان) انجام دهنده عمل زشت و ظالمانه.

ب- به عمل ظالمانه نیازمند نیست، برخلاف فاعل (انسان) انجام دهنده عمل زشت و ظالمانه.

ج- صفات ناپسند همچون کینه توزی، حسادت و... ندارد، برخلاف فاعل (انسان) انجام دهنده عمل زشت و ظالمانه.

24- خدا حس است یعنی دارای دو صفت علم و قدرت میباشد.

25- براساس قرآن کریم خشیت الهی ناشی از علم و آگاهی خداوند است.



(بخش چهارم)

(مسئله شر)

1- پیشنهاد مساله شرور تاریخی به بلندای تاریخ انسان دارد.

2- در بحث شرور انسان خود را محور قرار میدهد، هرچه باعث اذیت و آزار او باشد شر و هرچه باعث تکامل او باشد خیر محسوب می کند.

3- شر سه صفت از صفات خدا را به چالش میکشد: 1- علم 2- قدرت 3- خیرخواهی

1- طبیعی: بدون مداخله عامل انسانی پدید می آید مثل زلزله، طوفان و ...

4- اقسام شر

2- اخلاقی: نتیجه عامل انسانی است مثل دزدی، قتل و ...

5- راه حل ها نسبت به مسئله شرور:

الف- شر، لازمه جهان مادی است.

- در جواب اشکال که آیا نیشد خدا بخاطر شرور زیاد از خلقت عالم ماده صرف نظر میکرد؟ می توان گفت:

حکمت و لطف خدا اقتضاء میکند عالم ماده بخاطر منافع کثیر و شر قلیل آفریده شود زیرا ترک خیر کثیر به دلیل شر قلیل، خود شر کثیر محسوب میشود.

- ملاک سنجیدن خیرات با شرور، کیفیت است نه کمیت» (لولاک لما خلقت الافلاک)

ب- شر ناشی از آزادی انسان است.

- (و لو أن اهل القرى آمنوا واتقوا لفتنا علیهم.....ولکن کذبوا فأخذنهم بما كانوا یکسبون)

- (ظہر الفساد فی البرِّ والبحر بما کسبت أیدی الناس لیذیقهم.....)

- (إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیر ما بأنفسهم)

پ- شر ناشی از جزئی نگری انسان: مراد قضاوت سطحی و شتاب زده انسان در مسائل میباشد.

- (وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ...)

ت- شر ناشی از جهل انسان.

حضرت علی ع می فرماید: ... پس اگر چیزی از امور بر تو مشکل شد آن را بر نادانی خود حمل کند، زیرا تو در نخستین بار آفرینشت نادان بودی و سپس دانا شدی، و چه بسیار است چیزها که به آنها نادانی و.....

1- شرور، لازمه ذاتی عالم ماده.

2- شرور، علت شکوفا شدن استعدادها: (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا\* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)

- حضرت علی ع: بدانید که شاخه درختی که در بیابان می روید سخت تر و پوست سبزه‌های خوش نما

6- فواید شرور نازک تر و آتش صحرایی افروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است.

3- شر، عامل بیداری از غفلت: شرور

- ( وَ لَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأُولِيِّ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ )

4- شرور، هدیه ای به بندگان خاص: دو سخن از امام صادق ع:

- ( چون خداوند بنده ای را دوست بدارد او را در دریای سختی ها غوطه ور می سازد.)

- (پيامبران بیشتر از ديگر مردم دچار ميشوند و سپس کسانی که بدیشان شبیه ترند...)

شرور، آزمون الهی:

(أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ\* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ...)

7- مفاهیم خیر و شر، بدیهی و وجدانی هستند.

(بخش پنجم)

(توحید و شرک)

1- از منظر قرآن توحید و شرک نقش اول را در زندگی انسان دارند.

2- مراتب توحید:

2-1 توحید در ذات:

(شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)

- (قل هو الله أحد\* الله الصمد\* لم يلد و لم يولد\* ولم يكن له كفوا أحد)

- حضرت علی ع: هو واحد ليس له في الأشياء شبه.

- از دیدگاه اسلامی تثلیث باطل است زیرا:

یا هر یک از سه خدا دارای شخصیت مستقل هستند که در این صورت با یکتایی خدا مخالف است،

یا هر سه دارای یک شخصیت واحد هستند که در این صورت با بساطت خدا مخالف است.

2-2 توحید صفاتی:

- صفات خدا اختلاف مفهومی باهم دارند اما در مقام عینیت (مصدق) وحدت دارند یعنی ذات خدا تماماً علم، تماماً قدرت و.... است.

- صفات خدا ازلی و ابدی است و عین ذات او.

2-3 توحید در خالقیت:

- (قل الله خالق كل شيء و هو الواحد القهار)

(اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتَنفِثُ سَحَابًا مَّيِّسَّةً فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ)

## 2-4 توحید در ربوبیت:

**الف- تکوینی** «کارگردانی جهان از آن خداست یعنی اداره هستی همچون احداث آن فعل خدا میباشد. -از تاریخ فمیده میشود مورد مناقشه امت های گذشته در مسئله توحید، توحید در خالقیت نبوده بلکه توحید در ربوبیت بوده است.

- (وَاتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّكُمْ يَنْصَرُونَ ...)

- (لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا)

**ب- تشریحی (توحید در تشریح)** « به این معنا است که قانون گذاری و تشریح فقط ویژه خداست.

- (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)

-قران قانون گذاری را از آن خدا میداند و این با تبیین احکام که وظیفه پیامبر و امامان و در غیاب آنان مجتهدین است، منافات ندارد.

**- ویژگی قانون گذار**

ب- عاری از هرگونه حس سودجویی باشد.

الف- انسان شناس کامل باشد

## 2-4 توحید در اطاعت:

- (فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ)

- (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

## 2-5 توحید در حاکمیت:

به این معنا است که حق حکومت اصالتاً مربوط به خدا است و حکومت دیگران باید به انتصاب و اجازه عام یا خاص او باشد.

- (إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ إِنَّ أَمْرًا أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ)

- سخن خوارج نسبت به حضرت علی ع: (إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ لَا لِكُلِّ وَ لَا لِأَصْحَابِك)

## 2-6 توحید در عبادت:

براساس آیات قرآن کریم، یکتا پرستی اصل مشترک میان تمام ادیان الهی بوده است.

- (لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)

- (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...)

3- توسل به اسماء و صفات الهی و همچنین توسل به ائمه و صالحان، همچون نماز و روزه از وسایل تقرب به خدا است.

- آیات قرآن این مورد را تایید میکند:

(و لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا)

(و لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاوَزُوا فَاسْتَغْفِرَ اللَّهُ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ...)

- دیگر موید که قرآن آن را نقل میکند تقاضای طلب مغفرت فرزندان حضرت یعقوب ع از او او به درگاه الهی میباشد.

4- تکریم و محبت به اولیای الهی نه تنها شرك نیست بلکه عین توحید است ، قرآن کریم در باب وجوب محبت به پیامبر و اهل بیت علیهما می فرماید:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا الْبُودَةَ فِي الْقُرْبَىٰ)

(فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَغَرَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ الْوَلَنكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)

5- یکی از اعمال تکریم ساخت بنای یابود است که نمونه آن در قرآن آمده و مورد پذیرش خدا است ← اصحاب کعب.

6- تبرک جستن به آثار اولیای الهی همچون بوسه بر ضریح ایشان مور تایید قرآن است که

قرآن نمونه آنرا بازگو کرده است ← پیراهن حضرت یوسف ع جهت بینایی پدر

7- بهترین تجلی عبادت خدا نماز است.

8- نماز عبادتی جامع است و پس از معرفت خدا بهترین عمل دانسته شده است.

9- قرآن منافقان را که با کسالت نماز می خوانند مذمت میکند:

(إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ)



- 10- نماز در شرایع دیگر
- 1- قرآن از قول حضرت ابراهیم ع می فراید: (رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ...)
  - 2- سخن حضرت عیسی ع در گهواره: (خدا مرا سفارش به نماز و زکات کرده است)
  - 3- سفارش حضرت لقمان ع به فرزندش: (ای پسر، نماز را برپادار.)
  - 4- در اولین وحی بر حضرت موسی ع از نماز یاد شده است.

- 11- اسرار نماز
- 1- تجلی یاد خدا « أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِی
  - 2- تجلی وحدت
  - 3- عامل رفع فاصله طبقاتی
  - 4- مایه پرهیزکاری « إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
  - 5- اطاعت پذیری
  - 6- مایه پاکیزگی
  - 7- مایه شادابی و نشاط « در مذمت نماز خواندن منافقان
  - 8- مایه انضباط « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا
- فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

- 13- نامه حضرت علی ع به محمد بن ابی بکر در مورد نماز:
- مراقب وقت نماز باش و آن را به هنگام بخوان، نه به دلیل بیکاری آن را پیش از وقت بخوان و نه به سبب کاری آن را از وقتش به تاخیر انداز.



(بخش ششم)

(معاد و جودائلی انسان)

1- معاد از نظر لغوی به معنای بازگشتن است و در اصطلاح به معنای دوباره زنده شدن آدمی پس از مرگ است.

2- دلایل اهمیت موضوع معاد برای انسان:

1- انسان ذاتاً علم دوست است.

2- شناخت غایت و هدفمندی زندگی برای انسان بسیار مهم است چون شکل دهنده فعالیت و عمل اوست.

1- علوم تجربی: معاد در قلمرو عالم غیب قرار دارد و موضوع حس و تجربه نیست.

2- علوم فلسفی: ابزار آن عقل و می توان فقط کلیات عالم غیب را فهمید.

3- علوم عرفانی: ابزار آن شهود و رویت قلبی است، و جنبه شخصی دارد.

4- علوم وحیانی: راه شناخت صحیح و تفصیلی وحی و تعالیم انبیا الهی است.

3- منابع شناخت

در باب معاد

4- علوم عرفانی با دو شرط می تواند معاد را تفصیلی بیان کند:

الف- عصمت واجدین شهود      ب- به گفته آنان اطمینان کامل وجود داشته باشد

5- شمار آیات قرآن به دلیل اهتمام بالای آن تعداد بیش از 1400 آیه است.

1- آدم ع: فرود آید که برخی از شما دشمن برخی دیگرید... در رستاخیز برانگیخته میشوید

2- موسی ع: و قَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي... لَا يُؤْمِنُ يَوْمَ الْحِسَابِ

3- عیسی ع: وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

4- نوح ع: وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا\* ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

6- معاد در

انبیاء گذشته

7- نمونه هایی از وقوع معاد:

1- حضرت ابراهیم ع و پرندگان      2- حضرت عزیر ع (100 سال)

3- اصحاب کعب (309 سال)      4- حضرت عیسی ع و مردگان

5- رویش گیاهان

8- چهار پرنده حضرت ابراهیم ع: طاووس- کبوتر- خروس- کلاغ.

9- براهین عقلی برای اثبات معاد:

الف- برهان فطرت:

از آنجا که انسان فطرتاً میل به بقاء دارد پس باید این امکان وجود داشته باشد بطور مثال نیشود انسان فطرتاً میل به آب داشته ولی آبی وجود نداشته باشد، حال آنکه این دنیا شایستگی ابدیت ندارد باید جهانی دیگر باشد برای تحقق این فطرت آدمی.

ب- برهان حکمت:

یکی از معانی حکمت عمل لغو و بیهوده انجام ندادن خدا است، پس فہمیدہ میشود این دنیا لغو و بیهوده آفریده نشده و با مردن جهانی دیگری وجود دارد تا نتیجہ اعمال و وعدہ ہا تحقق یابد.  
(أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ..... لَا تُرْجَعُونَ)

پ- برهان عدالت:

حضرت علی ع و پیامبر ص: بالعدل قامت السموات و الارض  
قرآن کریم: إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً  
حضرت علی ع: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَاباً، لَوْلِيَانَهُ، وَ لَا عِقَاباً لَاعْدَانِهِ.

ت- برهان معقولیت:

در گذشته به عنوان برهان دفع ضرر محتمل یاد می کردند.

10- شبهات 1- علم فاعل: قطعا می دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می کاهد و نزد ما کتابی

منکران است که همه چیز در آن محفوظ است.

معاد 2- قدرت فاعل: أَوْلَمْ يَرَوْا..... بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

11- گفت و گوی حضرت موسی ع و فرعون مربوط به شبهه علم فاعل است.

## 12- لذت‌های روحی و غیر جسمانی معاد:

الف- لذت خشنودی خدا (پاداش اکبر)      ب- رنج فراق محبوب

## 13- آیات قرآن کریم در مورد جسمانی و روحانی بودن معاد:

الف- آیاتی که نمونه از احیای مردگان در گذشته دارند.

ب- آیاتی که بیان دارند انسان از خاک است و به خاک باز میگردد.

پ- آیاتی که بیان دارند اعضاء جزو شاهدین اعمال در قیامت است.

## 14- قرآن مسخ را تایید و نقل میکند اما تناسخ را خیر:

و جعلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ.

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ.

## 15- مسخ یعنی روح انسانی باقی می ماند و به تنها صورت حیوانی تبدیل میشود،

اما تناسخ یعنی روح انسان پس از جدایی از بدن (مرگ) به بدن دیگری تعلق می گیرد.

## 16- مرگ (موت) به معنای از دست رفتن قدرت و توانایی چیزی است.

## 17- مرگ اولین منزل از منازل آخرت است.

## 18- انواع مرگ :

الف- دشوار (ظالمان و گناهکاران) و آسان (صالحان و مومنان):

-دشوار: كَلِيفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَأُذْبَارَهُمْ.

-آسان: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكَ.....

ب- مرگ تن (جدا شدن روح از بدن) و قلب (تعقل و تفکر نداشتن):

-قلب: إِنَّكَ لَا تُسَبِّحُ الْمَوْتَى وَلَا تُسَبِّحُ الصَّمَّ الدُّعَاءُ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ.

-حضرت علی ع: کسانی که نهی از منکر را به کلی ترک کرده اند، نه به زبان نه قلب نه عمل، مردگان زنده نایند.

پ- مرگ فرد و جامعه (ظلم، ستم و گناه):

-كُلُّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْجِدُونَ.

### ت- مرگ افتخار آمیز:

در راه خدا- برپایی قسط و عدل- فراگیری علم- کسب روزی حلال- کسب معارف الهی  
-ولا تَقُولُوا لِنَاسٍ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ و لكن لا تَشْعرون.

- 19- از نمونه های توبه در حال مرگ که انجام میشود و مقبول خداوند نیست توبه فرعون در حال غرق شدن میباشد.
- 20- قبر دومین منزل انسان در سرای آخرت است، معنای ظاهری مرگ همان گودالی است که جسد در آن قرار میگیرد و معنای واقعی آن همان برزخ است.
- 21- معیار و میزان اعمال روز قیامت، حق است.
- 22- میزان برای اهل ایمان است و نه برای مشرکان.
- 23- اولین شاهد روز قیامت، خداوند میباشد.

شاهدان 1- شاهد درونی: اعضای بدن - پوست انسان

24-

- روز قیامت 2- شاهد بیرونی 1- قرآن: بگوای اهل کتاب... با آنکه خدا بر آنچه می کنید گواه است
- 2- پیامبرن: و يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ اَنْفُسِهِمْ .....
- 3- پیامبر ص: و كذلك جعلناكم اُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شَهِداءَ عَلَى النَّاسِ ...
- 4- فرشتگان: وجاءت كلُّ نفسٍ مَعَهَا سائقٌ شَهِيدٌ.
- 5- زمین: يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ اَخْبَارَهَا....
- 6- زمان

25- یکی از نشانه های قیامت نفخ صور است، یکی نفخ مرگ و پیش از قیامت و دیگری نفخ حیات بعد از برپایی قیامت.

26- از قرآن و روایات استفاده میشود که هم اکنون بهشت و جهنم را خدا آفریده است.

27- تجسم اعمال هم مربوط به پاداش و عقاب اخروی است و هم از گواهان روز قیامت.

28- نا آگاهی انسان نسبت به مرگ جنبه تربیتی دارد.

29- از منظر قرآن منکران معاد دچار انکار لقای پروردگارشان شده اند.

30- امام صادق ع: آنکس که چهار چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست»»»

1- معراج      2- سوال قبر      3- وجود بهشت و جهنم      4- برزخ

31- راه های رسیدن به بهشت:

الف- ایمان و عمل صالح: والذین آمنوا و عملوا الصالحات أولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون.

ب- تقوا: إن المتقین فی جنات و عیون.

پ- پیروی از خدا و روسل خدا.

ت- راستی و راستگویی: أولئک الذین صدقوا و أولئک هم المتقون.

ث- احسان و نیکوکاری: إن الأبرار لفی نعیم\* إن الأبرار لفی جحیم.

ج- صبر و بردباری: سلامٌ علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار.

چ- اهتمام به نماز: والذین هم صلاتهم یحافظون...

ح- انفاق در راه خدا: الذین ینفقون فی السراءِ والضراءِ....

خ- هجرت و جهاد: الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللہ....

د- شهادت در راه خدا: ولا تحسبن الذین قُتلوا فی سبیل اللہ امواتا....

(الفاسد ع)

جهت سلامتی و تعجیل در فرج آقا امام زمان (عج) صلوات